

ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه در جمع دانشجویان مطرح کرد

پرونده لواسان در حال رسیدگی است



محمدعلی بهمنی در گفت و گو با «فرهنگستان»:

زورمان به مافیای موسیقی نمی رسد

دیкте پر غلط خصوصی سازی

دولت تصمیم دارد امسال ۶۰۰ شرکت دولتی را خصوصی کند؛ سابقه اجرایی این قانون اما نگرانی های زیادی ایجاد کرده است

گزارش

ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه در جمع دانشجویان مطرح کرد

پرونده لواسان در حال رسیدگی است

از اظهارات اخیر رئیسی مبنی بر دفاع از آزادی های مدنی ابراز خوشحالی کرد و مهم ترین بحث در قوه قضائیه ر بحث اخلاقی دانست. او همچنین گفت جسته و گریخته می شود که برخی قضات طوری عمل می کنند که میان مردم و قوه شکاف ایجاد می شود. پولادی با تاکید بر لزوم دلجویی در برخی موارد در نهایت خواست که راه ارتباطی مستقیمی میان رئیس قوه و دانشجویان برقرار باشد. حسین خانی از بسیج دانشجویی دانشکده علوم قضایی نیز به موضوع سناد حقوق بشر اشاره کرد و خواستار فعال تر شدن آن شد. او که به نظر آشنا با سیستم قضایی می آمد به بحثی با عنوان آمار گرایي در قوه قضائیه اشاره کرد و گفت برخی قضات تا ساعات غروب درگیر بالابردن آمار رسیدگی به پرونده های می شوند، صرفا به این جهت که آمارشان منفی نشود چرا که در این صورت حقوق و مزایای آنان کاهش می یابد. او اظهار کرد این آمار گرایي بازدهی قضات را کاهش داده است.

آقای از بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه نیز که با حرارت خاصی سخن می گفت به پیوند خوردن برخی اقدامات مسئولان با سفره مردم و وضعیت اقتصادی اشاره کرد و خطاب به مسئولان دولتی گفت آقایان مشکلاتی را که ناشی از عملکرد ضعیف خودشان است گردن تحریم ها نیندازند و با اشاره به بحث سازمان خصوصی سازی، این دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی عملکرد این سازمان را باعث ایجاد شکاف بین مردم و نظام، تحمیل هزینه به مردم و به خصوص تولیدکنندگان دانست و گفت مردم سازمان خصوصی سازی را سازمان خصوصی بازی می دانند. واگذاری میهم پالایشگاه کرمانشاه، شست و صنعت مغان، نیشکر هفت تپه و هپکو اراک از جمله مصادیقی بود که این دانشجویان به آن اشاره کرد.

دهقان، دبیر تشکيلات دفتر تحکيم وحدت نیز به موضوع اهمیت سرمایه اجتماعی نظام و پیوند آن با عملکرد قوه قضائیه اشاره کرد و پیشنهاد داد با کار کارشناسی روی پرونده های مختلف قضایی می شود از داده های آن بهره گرفت و از وقوع جرم های یکسان جلوگیری کرد. او همچنین گفت باید مکانیسمی باشد که مردم بتوانند بر عملکرد قوه قضائیه و به خصوص قضات نظارت داشته باشند. صبور، دبیر جنبش عدالتخواه دانشجویی به موضوع تخلفات برخی قضات اشاره کرد و گفت نباید قاضی متخلف بعد از اخراج وکیل شود. او به سازوکار جذب و ارتقای قضات هم انتقاد کرد و از سوی دیگر گفت برخورد بدون ملاحظه را باید از امام جمعه ها، آقازاده ها و مسئولان متخلف شروع کرد. او همچنین گفت افکار عمومی در پرونده کلاک و نقش رئیس سابق قوه قضائیه سوال دارند و اگر در این پرونده سابقه درخشانی ببینند، امیدوار خواهند شد. علی اسکندری نیز از این اتحادیه دانشجویی گفت در ماجرای دلال آنکه دلال گرفته بود محاکمه شد اما آنکه دلارا را داد چطور؟ همه جور سلطان دیدیم و مدام سلطان بازی می کنیم اما کسی نفهمید آن کسی که ۱۸ میلیارد دلار را داد چه شد؟ او همچنین گفت برخی مسئولان با تصمیمات خود صدماتی به کشور وارد می کنند و مصداق آن را قاضی زاده هاشمی و آخوندی دانست.

پس از سخنان دانشجویان نوبت به حجت الاسلام رئیسی رسید. او در ابتدا بیان کرد که برخی پیشنهادات دانشجویان، پیشنهاد های خوبی است که برخی از آنها در برنامه های خود او نیز بوده است. رئیسی گفت سلامت قوه قضائیه تاکید همیشگی اوست و اگر قاضی صلاحیتش مورد خدشه باشد به هیچ عنوان حق وکالت ندارد.

رئیسى دامه داد در برخورد با مفاسد هیچ خط قرمزى نیست و وعده داد آرای قطعی قضات پس از دادگاه های تجدیدنظر به اطلاع افکار عمومی خواهد رسید، مگر آنهایی که قانون منع کرده باشد. پیرامون بحث خصوصی سازی نیز رئیسی گفت قضاتی را مامور رسیدگی به امور این سازمان کرده است. وی نسبت به عملکرد قضات از دستورالعملی خبر داد که مطابق آن کرامت هر مراجعه کننده ای به سیستم قضایی، بایستی حفظ شود.

رئیسى درباره پرونده ها نیز مذكر شد پیگیری های صورت گرفته لازم بوده اما کافی نیست و قضیه بورسیه ها را دنبال می کنیم. رئیسی درباره ماجرای دلار هانیز گفت که رسیدگی خواهد شد تا در خصوص آنهاهی که دلال داده اند هم نتیجه روشنی حاصل شود.

رئیس در حوزه پرونده های ا لواسات که از سوی دانشجویان مطرح شد گفت این مناطقی که نام بردید پرونده هایش در حال پیگیری است و رسیدگی می شود.

او همچنین به موضوعی که از سوی دانشجویان درباره اهمیت برخی تصمیمات مسئولان در دوره مسئولیتشان بیان شده بود واکنش نشان داد و گفت دغدغه دانشجویان درست است و باید هر مسئولی در پایان دوره مسئولیتش پاسخگو باشد.



محمد رضائیتی

دبیر دانشگاه و علمی

دامه می خوانید حاشیه نگاری خبرنگار «فرهنگستان» از این جلسه است.

بر خلاف جلسات سال های قبل که جمعی از معاونان و مسئولان عالی قوه قضائیه در کنار رئیس قوه در صدر جلسه حضور داشتند، در این جلسه خبری از مسئولان دیگر نبود؛ این تصور البته در ابتدای جلسه باعث شد دانشجویان صندلی های کنار رئیس قوه را خالی بگذارند اما کمی بعد معلوم شد صندلی ها رزرو نیست. تفاوت دیگر، حضور یک مجری از میان دانشجویان بود که اداره جلسه را برعهده داشت.

رئیسى پیش از سخنان دانشجویان در سخنان کوتاهی گفت شنیدن سخنان، پیشنهاد ها و انتقادهای نخبگان وعموم مردم را ضروری می داند و به همین جهت از دانشجویان با گرایش های مختلف دعوت کرده تا سخنان آنان را که نسبت به امور کشور دغدغه مندی دارند، شنوا باشد. او درباره دوره جدید انقلاب اسلامی و مسئولیتش در قوه قضائیه نیز گفت دوره، دوره آزمون و خطا نیست و وی می خواهد سیاست تحولی را در قوه پیگیری کند.

مهدی پور اولین نفر از دانشجویان بود که به عنوان دبیر کل اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان صحبت هایش را شروع کرد و از رابطه مستقیم عملکرد قوه قضائیه با احساس عدالت در جامعه گفت و روند طولانی دادرسی را آسیمی معرفی کرد که گاهی مردم از احقاق حقوق خود پشیمان می شوند. علی صالح پور نیز از همین اتحادیه با اشاره به سخنان ابتدایی رئیسی با ابراز خشنودی از اتخاذ رویکرد تحولی، گفت جای نازحتی دارد با وجودی که شما سه دهه در قوه قضائیه حضور داشته اید اما اکنون به فکر تحول افتاده اید؟! او با اشاره به ۱۵ میلیون پرونده در سیستم قضایی کشور و درگیری ۱۵ درصد مردم با قوه قضائیه پیشنهاد آموزش عمومی و فرهنگ سازی را مطرح کرد.

نفر بعدی دستیار عضو اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل بود. وی ابرای داشت این اتحادیه نامه ای ۱۰ صفحه ای آماده کرده و به رئیسی خواهد داد و به طور اجمالی گفت قوه قضائیه باید به سمت قانون گرایی و شفافیت حرکت کند نه به سمت مصلحت گرایی. محمدی، عضو دیگر این اتحادیه که دانشجوی رشته حقوق بوده، به صورت تخصصی تر نکاتی را مطرح کرد. او به اهمیت احیای حقوق عامه اشاره کرد و به عنوان مثالی گفت دادستان باید نماد عدالتخواهی مصداقی باشد و وقتی تخلفات دلال دولتی کشور را با چالش همراه می کند باید ورود جدی کند و زمانی که دادستان این نقش را ایفا نمی کند افراد دیگری که صلاحیت ندارند این نقش را برعهده می گیرند. محمدی ادامه داد قوه باید شرایط را برای عدالتخواهی فراهم کند و با انتقادی خطاب به رئیسی گفت: شما ۱۰ سال رئیس سازمان بازرسی بوده اید اما حالا که رئیس قوه هستید این سازمان حال و روز خوبی ندارد. لزوم برخورد با دانه درشت ها موضوع دیگری بود که وی مطرح کرد و گفت چرا سلطان سکه اعدام می شود اما برای برادر رئیس جمهور مستقر ظاهر باز ۱۰ سال حبس در نظر گرفته شده است.

فیروزی، دبیر سیاسی این اتحادیه نیز به اثر اجتماعی و سیاسی برخی اقدامات اشاره کرد و گفت انتقاد دانشجویان به رئیس سابق این قوه نیز همین بوده است و مدعی شد در برخی موارد قوه به تبعات اجتماعی کارهایی که می کند توجهی ندارد و به عنوان مثال نوع احضار آقایان مشایی، مهدی هاشمی و محمود صادقی را ذکر کرد. او گفت نمی شود به موضوعاتی مثل کنسرت ورود کرد اما به تبعات اجتماعی آن بی توجه بود. او که انتقادی تر صحبت می کرد، دامه داد چرا برخی قضات شان پاسخگویی برای خود قائل نیستند؟

سلطانیان، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف نیز ضمن تشکر بابت فرصت ایجاد شده خواست برخورد با فساد نه فقط در سطح جامعه بلکه از درون خود قوه آغاز شود و مدعی شد بخش هایی از قوه درگیر موضوع فساد و برخی جناح بندی های سیاسی هستند. او مطرح کرد چرا برای امثال قاضی مرتضوی ها احکام دوا یا سه ساله صادر می شود اما برای برخی دانشجویان احکام سنگین تر؟

پولادی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران نیز با اشاره به فصل سوم قانون اساسی

اوباما یا ترامپ؟! مساله این نیست

چرا کاسبان ترس درباره اوباما دروغ می گویند

این مصادیق مربوط به ظاهر کار است، اما آیا در باطن و در واقعیت میدان نیز وضعیت به همین زیبایی و ملایمت است یا خیر؟ این گزاره را در سه موضوع عمده می توان بررسی کرد.

یکم؛ اوباما، ترامپ و مساله تحریم ها

تحریم ها، فاکتور برجسته و تعیین کننده ای در داوری مردم و دولتمردان ایران نسبت به آمریکا است. اما آیا اوباما در موضوع تحریم ها با ایران ملایم تر و مهربانانه تر از ترامپ رفتار کرده است؟
اولا از نظر کمیت تحریم ها، یک بررسی تحقیقی که چند ماه پیش در «فرهیختگان» منتشر شد، نشان می دهد میان هفت رئیس جمهور آمریکا در دوران پس از انقلاب اسلامی، جناب اوباما بیشترین تحریم ها را بر ضد ایران اعمال کرده است. این بررسی حاکی از این است که نزدیک به ۴۰ درصد از تحریم ها علیه ایران پس از انقلاب اسلامی توسط اوباما وضع شده است.

اما از نظر کیفیت تحریم ها، مساله از این هم جدی تر است؛ تقریبا و حتی می شود گفت تحقیقا هیچ تحریمی از ناحیه ترامپ علیه ایران اعمال نشده مگر آنکه ساختار و سازمان اصلی این تحریم توسط اوباما معماری شده است.
درواقع ترامپ «تمدیدگر» تحریم هایی است که اوباما ساختار آنها را پایه گذاری کرد و هیچ گاه مثل در این ساختار را به هم نزد.
دیوید کوهن، وزیر خزانه داری وقت آمریکا در دوران مذاکرات هسته ای در گزارش های متعددی به سنای آمریکا تاکید می کرد آمریکا ساختار تحریم ها را برای ادامه فشارهای تحریمی در آینده حفظ کرده است.
مثلا تحریم های مربوط به نفت و همچنین بانکی که ایمن روزها محل بحث و گفت وگوها و کشمکش های فراوانی شده، همان تحریمی است که دولت اوباما با پیگیری های گسترده در قالب قطعنامه ۱۹۲۹ در شورای امنیت سازمان ملل تصویب و پس از آن ذیل فرمان اجرایی رئیس جمهور چیزهایی به آن اضافه و حتی اروپا را نیز در این زمینه با خود همراه کرد. این تحریم فروردین سال ۸۹ علیه ایران پایه گذاری و در همان مقطع اعلام شد هدف آمریکا به صفر رساندن فروش نفت ایران است.
درواقع اوباما یک سال پس از نامه «فدایت شوم» و حتی معرفی تیم مذاکره کننده هسته ای، یکی از شدیدترین تحریم های تاریخ علیه ایران را پایه گذاری کرد! مهم تر اینکه صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران با پیگیری های شدید آمریکا آغازگر دور جدید و خاصی از تحریم های پیچیده و البته بسیار هدفمند علیه ایران بود، به نوعی که برای اولین بار رویکرد تحریم ها کاملا تغییر یافت و به صورت تمددی، سفره های مردم و مایحتاج اساسی مردم نشانه گرفته شد، حال آنکه در دولت های پیشین آمریکا سبیل اکثر تحریم ها، سازمان ها یا ارگان های دولتی بود اما این بار براساس آنچه از خاطرات ریچارد نفیو، معمار تحریم ها علیه ایران در دولت اوباما برمی آید، تحریم ها به نوعی هدف گذاری شد که بیشترین درد را به جامعه ایران وارد کند تا مقاومت ها را بشکند.
ایمن حکم درباره قریب به اتفاق دیگر تحریم های دولت جدید آمریکا نیز صادق است؛ مثلا قانون تحریمی معروف به منع صدور ویزا که در ماه های ابتدای دولت ترامپ علیه ایران به کار گرفته شد، قانونی بود که معماری و پایه گذاری آن در دولت اوباما انجام شده بود و همین مساله درباره قوانین تحریمی دیگر مانند مشخصی کردن سپاه به عنوان یک گروه تروریستی و قوانین دیگر صادق است.

دوم؛ اوباما، ترامپ و مساله برجام

ترامپ درباره برجام دیدگاه مشخصی دارد؛ او منتقد برجام است اما آنگاه که از او خواسته شد به صورت دقیقتر درباره چرایی مخالفتش با برجام سخن بگوید، به فاکس نیوز این گونه پاسخ می دهد که «من با آن توافق (برجام)، می توانستم کنار بیایم اگر آنها (ایرانی ها) می گفتند خب پس دیگر با هم باشیم؛ اما آنها خلاف این عمل کردند و گستاخ تر شدند».

ادامه در صفحه ۸

سر مقاله



کیان عبداللهی

روزنامه نگار

تصور یا دست کم پرسشی در بخشی از افکار عمومی و بیش از آن در دسته ای از سیاسیون در ایران وجود دارد که اوباما برای ایران به مراتب بهتر از ترامپ بود و مصائب و مشکلات اساسی برای ایران و اقتصادش از آنجا آغاز شد که اوبامای دموکرات جای خود را به جمهوری خواهی چون ترامپ در حکمرانی ایالات متحده داد.

این تصور تا آنجا که به یک نظر و دیدگاه شخصی درباره یک رئیس جمهور آمریکا برمی گردد، مساله با اهمیتی تلقی نمی شود؛ هر کسی می تواند مثلا براساس برخی ویژگی های ظاهری در گفتار یا رفتار، یکی از این دو را بر دیگری ترجیح دهد، اما این موضوع آنجایی از اهمیت فوق العاده برخوردار می شود که همین قضاوت و داوری، مبنای سیاست گذاری و تعیین راهبرد برخی شخصیت ها و گروه های سیاسی در مواجهه با دولت آمریکا قرار گیرد. اگر آنچنان که برخی تصور می کنند، اوباما را واقعا بهتر از ترامپ و بنیادا متفاوت از او بدانیم، اقتضائاتی به همراه خواهد داشت؛ مثلا در این حالت به صورت طبیعی برجام را مدل موفق و راهنمایی برای حل سایر مناقشات مابین ایران و آمریکا تلقی خواهیم کرد و بالاتر از آن به جای آنکه استینی بالازنیم و مشکلات اقتصاد را به صورت درون زا مرتفع و برابر نگانه های امروز و فردا مقاوم کنیم، دست به دعا خواهیم برداشت که در سال ۲۰۲۰ یا نهایتا در ۲۰۲۴ دموکرات دیگری همانند اوباما یا هیلاری کلینتون بر سر کار بیاید تا بدین وسیله مسائل داخل ایران مرتفع شود!

اما این تصور تا چه میزان به واقعیت نزدیک است؟

جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۵۷، هفت رئیس جمهور را در آمریکا –از کاتر تا ترامپ- تجربه کرده است؛ در این ۴۰ سال پس از انقلاب، ایران ۲۲ سال را با روسای جمهور جمهوری خواه (ریگان، بوش پدر، بوش پسر و ترامپ) و ۱۸ سال را با دموکرات ها (کاتر، بیل کلینتون و اوباما) سپری کرده است و دور از واقعیت نیست که در میان تمام این روسای جمهور، باراک اوباما از نظر لحن و ادبیات و نحوه تخاطب با دولت و مردم ایران در ظاهر نرم تر و ملایم تر از بقیه نشان داده است. اوباما در همان نطق افتتاحیه دولتش در بیستم ژانویه ۲۰۰۹ به ایران گفت که «ما دست مان را به سوی شما دراز خواهیم کرد» و پس از آن نیز بارها با پیام نوروزی سعی داشت با مردم و حکومت ایران صحبت کند؛ او برخلاف اسلافش جمهوری اسلامی را با نام رسمی اش خطاب قرار می داد و تاکید می کرد به تعاملی با ایران که بر پایه «صداقت و احترام متقابل استوار باشد»، متعهد است. حتی برای اولین بار در میان روسای جمهور آمریکا نامه ای رسمی به رهبر انقلاب نوشت که آیت الله خامنه ای در دیدار اخیر با کارگزاران نظام لحن آن را مشابه نامه های «فدایت شوم» توصیف کرده اند؛ ویلیام برنز دیپلمات کارکشته آمریکایی و معاون سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا در خاطراتش که ابتدای اسامال منتشر شد، برای اولین بار به گوشه هایی از این نامه اشاره می کند؛ برنز می نویسد اوباما در این نامه تلاش داشت اتصالی و ارتباطی میان ایران و آمریکا برقرار شود: «او [اوباما] به صراحت عنوان کرد سیاست دولتش تلاش برای تغییر رژیم ایران نیست و آمادگی خود را برای گفت وگویی مستقیم با ایران اعلام کرد.» (کانال پشت پرده، ویلیام برنز، ترجمه خبرگزاری تسنیم)

برنز می گوید رهبر ایران بعد از چندی به این نامه پاسخ داد. ظاهر رویکرد اوباما نسبت به ایران به نوعی بود که برنز می نویسد بلافاصله بعد از دریافت پاسخ رهبر ایران و به رغم آنکه آیت الله خامنه ای پاسخ مشخصی به پیشنهاد مذاکره نداده بود، اما اوباما در نامه دوم حتی نام تیم مذاکره کننده آمریکایی ها را هم در نامه به ایران می فرستد و بر این گفت وگویی مستقیم تاکید می کند!